

نقش عوامل فرهنگی در ازدواج جوانان دختر و پسر و فرزند آوری

استاد راهنما: سمیه معینی فر

اعظم نظری، میترا سعیدی

چکیده

طی چند دهه اخیر نهاد خانواده در ایران، با تغییرات مهمی، مانند: تغییر در شکل گیری ازدواج و تشکیل خانواده، افزایش سن ازدواج، کاهش میزان ازدواج، افزایش مجرد قطعی، تغییر در دایره همسرگزینی، تغییر در معیارهای همسرگزینی و تغییر در ایستارهای فرزند آوری روبرو بوده است. بسیاری از صاحب نظران، تغییرات نهاد خانواده را تنها نتیجه تغییر در وضعیت اقتصادی و ساختار نهادی جامعه ندانسته، بلکه معتقدند، این تحولات از تغییرات فرهنگی و دگرگونی در روند ارزشها و سنت ها سرچشمه می گیرند، لذا می توان تاثیر عوامل فرهنگی بر تغییرات ازدواج و فرزند آوری در ایران را مورد تأیید قرار داد و می بایست جهت تجدید نظر در سیاستهای جمعیتی بر عوامل فرهنگی بیشتر تأکید شود. این پژوهش با هدف بررسی عوامل فرهنگی و نقش آن، فراروی نهاد خانواده در ایران، و به منظور پاسخ به پرسش جدی "چرایی کاهش اهتمام جوانان ایرانی به تشکیل خانواده و در نتیجه پیامدهایی همچون سقوط نرخ فرزندآوری به رغم تاکید فراوان آموزه های ناب اسلامی بر موضوعات فوق"، می باشد که کاربست روش تحلیلی- توصیفی، از رهگذر یک مطالعه کتابخانه ای را وجهه همت خود قرار داده است.

کلید واژه ها: عوامل فرهنگی، ازدواج، فرزند آوری

مقدمه و بیان مسئله

در بین تمامی نهادها و سازمان های اجتماعی ، خانواده نقش و اهمیتی خاص و بسزا دارد. خانواده نهاد اجتماعی سازنده ای است که از طریق یک قرارداد اجتماعی بنام ازدواج ، تشکیل می شود. خانواده در جهان امروز، بیش از گذشته در معرض تغییر و دگرگونی قرار گرفته است و این دگرگونی موجب تحول در مسیر زندگی و تجربه زیست تک تک انسان ها شده است. این تغییر شکل، ارزش متفاوتی را نیز به وجود آورده، بطوریکه ارزش های جدید خانواده، متفاوت از ارزش های سنتی شده است (مدیری، ۱۳۹۷: ۷۲).

در چند دهه اخیر، نهاد خانواده با تغییرات مهمی، مانند: تغییر در شکل گیری ازدواج و تشکیل خانواده، افزایش سن ازدواج، کاهش میزان ازدواج، افزایش مجرد قطعی، تغییر در معیار های همسرگزینی، همچنین تغییر در ایستارهای فرزند آوری روبه رو بوده است. به دلیل جهانی شدن و فرایند مدرنیته، ساختار اجتماعی خانواده ایرانی نیز پیامدهایی را در خود پذیرفته است. رشد شهرنشینی، افزایش تحصیلات، افزایش میزان استفاده از رسانه ها، افزایش امید به زندگی، افزایش سن ازدواج، کاهش فرزند آوری، بهبود امکانات پزشکی و بهداشتی و رشد شاخص توسعه انسانی، همگی ازجمله شاخص های نوسازی هستند که ایران در طول چند دهه گذشته تجربه کرده است (مدیری، ۱۳۹۷: ۱۴۸).

همچنین نتایج بسیاری از تحقیقات انجام شده در جامعه ایران، حاکی از تغییر ارزش ها و نگرش های ایرانیان به خصوص جوانان است. در این میان یکی از حوزه هایی که تحت تاثیر تغییرات ارزشی و نگرشی قرار گرفته است، ارزش ها و نگرش های پیرامون نهاد خانواده است (افشارکهن و رضائیان، ۱۳۹۷: ۲۹۵).

تغییر ارزش های خانواده از جمله ازدواج و فرزندآوری در ایران، قابل ملاحظه و چشمگیر است. تغییر: از خانواده گسترده به هسته ای، از خانواده گرایی به فرد گرایی، از کنترل خانواده به استقلال جوانان، از ازدواج های از پیش ترتیب داده شده به ازدواج های بر اساس عشق و انتخاب، از ازدواج در سنین جوانی به ازدواج در سن بالا، از عمومیت ازدواج به داشتن پتانسیل برای مجرد گسترده، از باروری طبیعی به فرزندآوری کنترل شده، از تعداد فرزندان بیشتر به تعداد فرزندان کمتر و تأکید بر برابری جنسیتی و حقوق زنان هم در خانواده و هم در عرصه عمومی، از عمده تغییرات ناشی از این گذار بوده است. به طوری که، طی سه دهه ی اخیر میانگین سن ازدواج دختران و پسران به ترتیب $\frac{4}{7}$ و $\frac{4}{3}$ سال افزایش یافته (برای دختران از $\frac{20}{1}$ سال به $\frac{24}{8}$ سال و برای پسران از $\frac{23}{8}$ سال به $\frac{28}{1}$ سال رسیده است) و نسبت دختران و پسران ازدواج نکرده

۲۴ - ۲۰ ساله به ترتیب از ۲۵/۶ و ۵۷/۳ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۴۳/۴ به ۸۰/۲ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. همچنین فرزندآوری در ایران از باروری طبیعی به یک باروری ارادی رسیده است که موجب کاهش نرخ باروری کل از ۷/۱ فرزند به ۱/۷ فرزند یعنی زیر سطح جایگزینی رسیده است.

به نظر می‌رسد تحولات شاخص‌های ازدواج و فرزندآوری در ایران و تعیین عوامل مؤثر بر آنها، بیشتر از طریق تحلیل‌های ساختاری و اقتصادی بررسی شده است. در حالی که ایران همانند غالب کشورهای که با کاهش شدیدی در ازدواج و نرخ باروری خود مواجه شده‌اند، تغییرات فرهنگی و ارزشی گسترده‌ای را تجربه کرده است (رستگار و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۶۷).

هم چنین نقطه ضعف بیشتر پژوهش‌ها، خارج کردن مردان از دایره آماری گرایش به باروری و فرزندآوری بوده است در حالی که چنین موضوعاتی متأثر از نظر، تصمیم و رفتار زوجین است. لیکن در سالهای اخیر، چند مطالعه با رویکرد تأثیر تغییرات فرهنگی و نگرشی بر تحولات ازدواج و فرزندآوری انجام شده است که مبتنی بر تحقیقات موردی و میدانی بوده است. با این حال، در سال ۱۳۹۴ و مجدد در سال ۱۳۹۸، بررسی پیمایشی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در نقاط شهری و روستایی کشور انجام شده است که داده‌های مبسوطی در مورد تحول ارزش‌ها و نگرش‌های مربوط به خانواده ارائه نموده‌اند که در این مطالعه جهت سنجش تأثیر تحولات فرهنگی و ارزشی و نگرشی بر شاخص‌های ازدواج و فرزندآوری از آنها استفاده گردیده است.

۱- بیان مفاهیم

۱-۱. ازدواج

ازدواج در معنای لغوی، جفت گرفتن، زن گرفتن، شوهر کردن، با یکدیگر جفت و قرین شدن، با هم جفت شدن، مزاجه . زناشوئی . تزویج) (لغت نامه دهخدا). ازدواج در معنای اصطلاحی، پیوند زناشویی نیز نامیده می‌شود، یک پیوند فرهنگی و اغلب قانونی/حقوقی به رسمیت شناخته شده بین افرادی به نام زن و مرد است. این پیوند حقوقی تعهداتی را بین افراد پیوند داده شده و نیز بین آنها و فرزندانشان و بین آنها و خویشاوندان سببی‌شان برقرار می‌کند، دختران و پسران وقتی به سن ازدواج می‌رسند (سن ازدواج در همه‌ی دختران و پسران یکسان نیست و دارای متغیرهای زیادی است)، با رعایت الگوهای مخصوص در این خصوص، وارد مقوله زناشویی می‌شوند که البته امروزه این مقوله‌ی مهم اجتماعی، دستخوش تغییرات زیادی گردیده است. این

تغییرات وسیع در نهاد خانواده، نه تنها نسبت به قرن های گذشته، بلکه نسبت به دهه های گذشته محسوس است و بر سطح سرمایه خانواده در جامعه ایرانی اثر گذارده است. در اثر این تغییرات که ناشی از دو فرآیند صنعتی شدن و شهری شدن می باشد، تحولاتی از جمله گرایش به تحصیلات به ویژه در زنان، غلبه روند فرد گرایی که سبب روی آوردن از عام گرایی به خاص گرایی شده، همچنین از انتساب به اکتساب، از عاطفی به بی طرفی عاطفی و از ازدواج به مجرد و .. کارکرد خانواده ایرانی را در برخی امور دستخوش تحول نموده است. بر این اساس و با توجه به تحقیقات انجام شده، می توان عوامل دگرگونی های فرهنگی را نیز علاوه بر عوامل اقتصادی در توضیح تغییرات اخیر در موردی همچون ازدواج، باروری وارد کرد (نیک خلق، ۱۳۷۸، ۱۷۷۹) در تأیید ضرورت توجه به عوامل فرهنگی در تجزیه و تحلیل تغییرات خانواده، نتایج یک پژوهش میدانی نشان می دهد که شاخصه های بی هنجاری مانند کاهش تسلط بر فرایندهای زندگی، احساس ناتوانی، عجز در برابر مشکلات، آینده نا مشخص شغلی و بی هدفی در زندگی و تقویت روند فردگرایی در ایران، پدیده ی ازدواج و تشکیل خانواده را تحت تاثیر خود قرار داده است. در گذشته، وقتی جوانی به سن ازدواج می رسید و خواهان تشکیل خانواده میشد خواستگاری در مرحله اول توسط آشنایان نزدیک پسر انجام میشد و پس از جلب رضایت اولیه پدر دختر، مرحله بعدی درباره شرایط ازدواج و مهریه آغاز می شد. تا اواسط دوره پهلوی اول، در مراحل مختلف ازدواج، زن و شوهر آینده شخصا نمی توانستند دخالتی داشته باشند و حتی نمی توانستند یکدیگر را ملاقات کنند (مهرآبادی: ۱۳۷۹: ۱۵۸). در سال ۱۳۵۳ گرایش مسلط برای انتخاب همسر از بین قوم و خویش صورت می گرفت، که در سال ۱۳۵۸ دقیقاً صورت عکس به خود گرفت (محسنی، ۱۳۸۲: ۲۰۴). اما باز هم انتخاب همسر با مشورت و تحت نظارت خانواده ها انجام می شد و خانواده ها سرمایه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده دختر و پسر جوان را در نظر میگرفتند و سپس با توجه به میل و علاقه باطنی دختر و پسر، ازدواج صورت میگرفت البته هرچند رویه انتخاب دختر و پسر، توسط یکدیگر در بدو امر و سپس جلب رضایت خانواده های خود، رو به افزایش نهاده بود اما در مجموع مشارکت والدین و جوانان در ۲ فرآیند همسریابی و همسرگزینی همچنان تداوم داشت (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۰۲).

امروزه، با برجسته شدن نقش عشق و روابط احساسی و عاطفی در شکل گیری ازدواج، با تقویت عنصر انتخاب ناشی از افزایش گرایش جوانان به کسب تجربه شخصی و پیشگامی در بعضی امور، به ازدواج بیشتر شکل یک قرارداد داده است تا یک امر مقدس که نهاد خانواده را تشکیل می دهد، همچنین با افزایش سن ازدواج، به رغم تلقی ازدواج در آموزه های اسلامی به مثابه یک واجب کفایی (نوح ۱۲: و عنکبوت: ۶ سوره

اعراف ۱۸۹: و طور ۲۱: و انبیاء: ۱۰۵) و تاکید بر رشد کمی نسل و افزایش فراوانی جمعیت مسلمین، به دلیل تغییر در روند دین داری و رواج باورهای سکولاریستی که همچون بسیاری از موضوعات دیگر روند پذیرش کامل و یقینی پیشین دین توسط جوانان را تغییر داده و حالت گزینشی و فردی آن را تقویت نموده (اعظم آزادی و همکار، ۱۳۸۶: ۱۰۲). با ریختن قبح تنها زندگی کردن و تجرد، باعث مجرد ماندن زنان مسلمان در سال های بیشتری از جوانی خود شده است، حال آنکه باتوجه به روایتی که بیشترین افراد اهل جهنم را مجردین معرفی می کند (ابن بابویه، ۱۳۹۲ ق.ج ۳: ۳۸۴). محرز و مسلم بودن مذمت این رویه از نظر اسلام کاملاً آشکار است.

۱-۲. باروری و فرزند آوری

جامعه مذهبی و دینی ایران به دلیل تاکید آئین هدایت گر اسلام بر ارزش فرزند و فرزند آوری، اهمیت زیادی برای خانواده و تداوم آن قائل است. تغایر آشکار تداوم روند کاهش باروری با ارزشهای اصیل و بنیادین جامعه اسلامی ایران در انتقاد آشکار رهبر معظم انقلاب اسلامی از سیاستهای جمعیتی در آن گذشت در کشور طی سخنان چند سال پیش و تاکید ایشان بر کاهش و یا حذف دلایلی که موجب کم میلی نسبت به فرزند میشود بازتاب یافته است (رهبر انقلاب اسلامی ۱۳۹۱/۸/۶).

برای تحلیل این پدیده در ایران همچون سایر کشورها بیشتر سعی بر استفاده از تحلیل های ساختاری و اقتصادی بوده است. برای نمونه عده ای در تبیین مسئله کاهش نرخ باروری در ایران، تمایل به محدود ساختن تعداد فرزندان را ناشی از بینش اقتصادی و خوش گذرانی و زندگی مرفه غربی می دانند (نقوی، ۱۳۷۷: ۱۹). زیرا باتوجه به رویکرد اقتصادی ناشی از لیبرالیسم و انتزاع جای آن با منفعت طلبی فردی، فرزند آوری چیزی جز هزینه آوری نخواهد بود (چپل، ۱۳۸۸: ۱۱). این درحالی است که اولاً بسیاری از تحولات اقتصادی و مادی رخداد در غرب، در ایران و دیگر کشورهای با وضعیت مشابه، به آن شدت و در آن مقیاس رخ نداده است و ثانياً در صورت تعیین کنندگی عامل اقتصاد و تنگناهای صرف مالی، کاهش میل به فرزندآوری باید تنها در اقشار ضعیف جامعه مشاهده شود حال آن که مشابه این رویه در طبقات مرفه و ثروتمند نیز مشهود است. پیامبر گرامی اسلام (صلوات علیه) می فرماید: کسی که ازدواج را به خاطر ترس از عیاواری و فقر رها کند، به خدا سوءظن برده است؛ زیرا خداوند می فرماید اگر آنان فقیر باشند، خدا از فضلش آنان را بی نیاز میکند.

نگرانی در خصوص تأمین نیازهای فرزندان نیز مرتفع می شد و فرزندآوری یکی از فلسفه های اصلی تشکیل خانواده به شمار می رفت، از رونق افتاد.

ریشه اصلی این تغییرات بنیادین در وضعیت خانواده معاصر را طبق الگوی نظری این پژوهش، نه صرفاً در تنگناها و کمبودهای اقتصادی بلکه باید در تحولات فرهنگی همچون تشدید روحیه فردگرایی در جامعه ایران جستجو نمود. تغییرات اساسی در نقش های جنسیتی بویژه افزایش مشارکت اقتصادی زنان در بازار و رو به افول نهادن اعتقادات فرهنگی و باورهای دینی در دوران جدید از جمله عوامل مؤثر در پیشرفت این روند نو ظهور است.

تحصیل و آموزش زنان و سپس امکان یافتن شغلی خارج از خانه در اثر صنعتی شدن و شهر نشینی، استقلال بیشتری از نظر اقتصادی برای آنان به همراه داشت و در نتیجه دیگر لازم نبود مثل گذشته ازدواج را یک ضرورت اقتصادی تلقی کنند همچنین تقویت باورهای سکولاریستی ناشی از مدرنیته به تضعیف باورهای معنوی و دینی به ویژه در سطح خُرد (فردی) دامن زد و با کاهش حس معنی داری و رضایت مندی از زندگی، مانع از نگرستن فراتر از ابعاد مادی به زندگی گردید.

پیشنهادهات:

نتایج حاصل از این پژوهش و پژوهش های مختلف دیگر، دال بر آن است که عدم ازدواج به موقع و مناسب جوانان؛ تزلزل در شخصیت و خانواده و اجتماع را موجب می گردد. بر این مبنا شایسته آن که موانع امر ازدواج جوانان شناسایی و در جهت رفع آنها اقدامات مؤثری صورت پذیرد.

- به منظور کاهش حجم آسیب های ناشی از گسترش تفکر فردگرایی، ضرورت رسیدگی و بازبینی اموری که برخلاف تأکید قانون اساسی (بند ۶ اصل ۲) در خصوص توجه به کرامت و شخصیت انسانی جوانان بویژه زنان که در کنار مسائل و تنگناهای اقتصادی با وارد آمدن آسیب های عاطفی به ایجاد احساس تضییع حقوق انسانی آنان دامن زده و در نتیجه ایشان را به نفی نقش های سازنده ای همچون همسری و مادری سوق داده است، امری اجتناب ناپذیر می باشد.

به این منظور ضرورت دارد در برنامه هفتم توسعه به صوت جدی به موضوع جوانان پرداخته شود و نقش تمام دستگاهها برای حل مشکلات جوانان مشخص و وزارت ورزش و جوانان به عنوان مطالبه گر در این بخش

مشخص شود اینکه وزارت ورزش و جوانان اکنون فقط به اعلام برخی از اقدامات اجرا نشده از وظایف سایر وزارت خانه ها بسنده می کند به هیچ وجه پسندیده نیست و باید به گونه ای برنامه ریزی شود که وزارت ورزش و جوانان بتواند از سایر ارگانها و نهادهای فعال در حوزه ی جوانان از جمله وزارت کار در حوزه ی اشتغال جوانان و وزارت راه و شهرسازی در حوزه ی مسکن جوانان مطالبه گری داشته باشد.

- تعارض کار بیرون با خانه داری ، از عوامل مؤثر در چشم پوشی از ایده آل های باروری یا تأخیر در فرزندآوری است. برخی زنان یا به یک فرزند بسنده کرده یا با فاصله طولانی از فرزند اول فرزند دوم را به دنیا می آورند. هرچه نقش مادری و اشتغال بیشتر ناسازگار باشند و زنان شاغل نقش خود به منزله ی مادر و همسر با نقش های دیگر در تضاد ببینند. تصمیمات آنها درباره فرزندآوری تغییر می کند؛ در نتیجه، آن زنان ترجیح می دهند تعداد فرزندانی را که می خواهند ، کاهش دهند یا حتی ایفای نقش فرزندآوری اجتناب کنند؛ زیرا باروری وقت و نیروی زیادی از آنها می گیرد.

با اقداماتی نظیر تمهید دسترسی زنان با تحصیلات عالی به مشاغل سطح بالا و یابا لحاظ نمودن شرایط خاص در امر اشتغال زنان مثل طرح اشتغال پاره وقت ، می توان ضمن حفظ کرامت آنان ، تعادل بین سنت های دینی و وضعیت جامعه روبه صنعتی ایران برقرار نمود و بدین سان زمینه آگاهی آنها از وظایف و مسئولیت های خاص زنان را فراهم نمود ، چرا که حقی نیست که قبل از آن مسئولیتی وجود نداشته باشد و هر حقی در قبال مسئولیتی ایجاد می شود.

وجود بحران های خانوادگی، مشاجرات و اختلافات والدین در زندگی، تحمیل ازدواج از طرف الدین و یا ارائه تصویر منفی از ازدواج و طرح ازدواج های نا موفق توسط آنان، در هراس جوانان از ازدواج بی تأثیر نیست. با توجه به تأثیر بسزای خانواده در شکل گیری ازدواج مناسب کار و سرمایه گذاری روی خانواده(رسانه ها، برنامه های مذهبی و تبلیغی، فعالیت آموزش و پرورش و دانشگاه وسازمان های منطقه ای ومحلی چون شورای شهرو سازمان رفاهی و تفریحی شهرداری ها)از اهمیت اساسی برخوردار است.

- عدم معرفی و طرح بهینه معیار های مناسب ازدواج برای جوانان توسط رسانه های گروهی و حتی گاه ارائه تصویری منفی از ازدواج در فیلم ها و سریال ها، از جمله مواردی است که در کاهش رغبت جوانان به امر ازدواج تأثیر گذار است. از این رو ضرورت بتزنگری جدی در برنامه سازی رسانه ملیو

استفاده از کارشناسان زبده و کار بلد در برنامه های مرتبط با بحث ازدواج جوانان به منظور ارائه چهره ای جذاب از این امر مقدس، بیش از پیش هویدا می گردد.

- افزایش سطح تحصیلات با افزایش توقعات جوانان در مسائل مختلف همراه بوده و این امر در ابعاد مختلف انتخاب نوع زندگی و توقعات مادی زندگی مؤثر بوده و موجبات تأخیر در سن ازدواج را فراهم می آورد. بر این مبنا، لازم است در فرهنگ عمومی جامعه به ویژه در مراکز آموزش عالی، علاوه بر مهارت های تخصصی و علمی، جهت رشد شخصیتی جوانان و ارائه معیار های اساسی زندگی مبتنی بر رشد و تعالی جوانان برنامه ریزی و اقدامات لازم صورت گیرد.

- افزایش سطح تحصیلات به ویژه در دختران طی چند دهه اخیر با تأخیر سن ازدواج آنان همراه بوده است بر این مبنا، جوانان و خانواده های آنان تصور می کنند برای موفقیت در تحصیل لازم است که امر ازدواج را به تأخیر بیندازند. در کنار این تصور عمومی، عدم وجود ساختار های مناسب چون خوابگاه متاهلان، اشتغال پاره وقت، وام های قرض الحسنه بلند مدت و مانند آنها، امکان ازدواج در دوران دانشجویی را برای بسیاری از دانشجویان با مشکل مواجه می سازد. در این ارتباط، با توجه به گسترش روز افزون دوره های تحصیلی تکمیلی در دانشگاه ها، لزوم ایجاد زیر ساخت های مناسب با جلب مشارکت خیرین، آشکار می گردد.

منابع

الف) کتب

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، مصحح علی اکبر غفاری، ج ۳، قم: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۲ ق.
۲. احمدی، بابک، مدرنیته و اندیشه اعتقادی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.
۳. جلائی پور، حمیدرضا و محمدی، جمال، نظریه های متأخر جامعه شناسی، چاپ دوم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.
۴. حسینی، سیدهادی، کتاب زن، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۵. زکایی، محمد سعید، جامعه شناسی جوانان ایران، چاپ اول، تهران: آگاه، ۱۳۸۶.

ب) مقالات

۱. آزاد ارمکی، تقی و ملکی، امیر، «تحلیل ارزش های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان»، نامه علوم اجتماعی، شماره ی ۳۰، بهار ۱۳۸۶.
۲. اعظم آزاده، منصوره، عاصفه توکلی، «فردگرایی، جمع گرایی و دینداری»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره ۳، ۱۳۸۶.
۳. افشارکهن، جواد، رضائیان، محمود، «مقایسه ی بین نسلی رابطه نظام ارزشی افراد و نگرش به پایداری خانواده»، فصلنامه جامع شناسی نهادهای اجتماعی، دوره پنجم، شماره ۱۲، ۱۳۹۷.
۴. جوکار، محبوبه و صفورایی پاریزی، محمدمهدی، «مدرنیته، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران»، پژوهشنامه ی اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۵. حسینی، ابراهیم، «فمنیزم علیه زنان»، فصلنامه کتاب نقد، ش ۱۷، زمستان ۱۳۷۹.

۶. رستگار خال، امیر و محمدی، میثم، «تغییرات فرهنگی و افت باروری در ایران، برپایی تحلیل ثانوی داده های پیمایش ارزشها و نگرش های ایرانیان»، فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و ششم، شماره پیاپی ۸۵ شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۹۴.

۷. سرایی، حسن، «بازتولید جمعیت در ایران وضع موجود و ملاحظات دربار سیاست گذاری»، علوم اجتماعی، شماره ۶۸، ۱۳۹۴.

۸. عنایت، حلیمه و پرنیان، حلیمه، «مطالعه ی رابطه ی جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری»، زن و جامعه، شماره ۴ (۲)، ۱۳۹۲.